

وضع آموزش حقوق مالکیت فکری در ایران «در گفت‌وگو با دکتر محمود صادقی و دکتر هادی وحید»

مالکیت فکری و معنوی یکی از حوزه‌های بسیار مهمی است که در سال‌های اخیر اقدامات متعددی از سوی وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی صورت گرفته است. از جمله فعالیت‌های انجام شده می‌توان به بررسی قوانین حق مؤلف در ایران، الحاق و یا عدم الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی، تهیه لایحه جامع نظام مالکیت فکری، فرهنگ‌سازی، تربیت نیروهای متخصص و نظایر آن اشاره کرد. یکی از اقدامات مهم سال‌های اخیر، راه‌اندازی مقطع کارشناسی ارشد مالکیت فکری و معنوی در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، علامه طباطبائی و قم می‌باشد. با توجه به اهمیت این اقدام و به منظور بررسی وضعیت گروه‌های آموزشی، ضرورت تشکیل گروه‌های آموزشی مالکیت فکری، آینده فارغ‌التحصیلان این رشته، و همچنین دیدگاه آنها در خصوص چشم‌انداز مالکیت فکری در ایران، گفت‌وگوی این شماره نشریه به بررسی دیدگاه‌های نمایندگان گروه‌های آموزشی دانشگاه شهید بهشتی و تربیت مدرس اختصاص یافته است. در این گفت‌وگو دیدگاه‌های آقای دکتر محمود صادقی عضو هیئت علمی گروه حقوق و مؤسس رشته حقوق مالکیت فکری دانشگاه تربیت مدرس، و آقای دکتر هادی وحید عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در این خصوص ارائه می‌شود.

□ کتاب ماه: شکل‌گیری گروه‌های آموزشی مالکیت فکری و معنوی و تربیت نیروی انسانی متخصص (در این حوزه) در دانشگاه‌های ایران چه ضرورتی دارد؟

■ دکتر وحید: در آغاز لازم می‌دانم توضیحی درباره اصطلاح «مالکیت فکری» بدهم. من ترجیح می‌دهم از عنوان «مالکیت فکری» استفاده کنم. زیرا تعبیر «مالکیت معنوی» می‌تواند اشاره به مالکیت‌های غیرمادی داشته باشد که قلمرو وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد و شامل مصادیق دیگری از انواع مالکیت نیز می‌شود که موضوع آنها وجود مادی و عینی ندارد، مانند حق سرقتی. از طرفی، حقوق ناشی از مالکیت فکری در مواردی شامل حقوق مادی مانند حق مالی ناشی از حق تألیف و حقوق معنوی مانند حق حرمت اثر می‌شود و اطلاق وصف معنوی به مالکیت فکری ممکن است موجب اشتباه با حقوق معنوی ناشی از مالکیت فکری گردد که جزئی از آن است.

به‌طور سنتی دو شاخه اصلی در حقوق مالکیت فکری شناسایی می‌شود: «مالکیت صنعتی» و «مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط». در مالکیت صنعتی، عمدتاً درباره حمایت از حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، نام و مبدأ و نشانه‌های جغرافیایی صحبت می‌شود و در مالکیت ادبی و هنری به حقوق ناشی از آفرینش‌های ادبی و هنری پرداخته می‌شود. در حقوق مرتبط نیز به حقوق ناشی از سرمایه‌گذاری برای تولید و توزیع آثار ادبی و هنری می‌پردازیم.

دسته دیگری از محصولات فکری هستند که به دلیل ماهیت مختلطی که دارند هم به‌نوعی به مالکیت صنعتی ارتباط پیدا می‌کنند و هم به مالکیت‌های ادبی و هنری، و گاهی به دلیل طبیعت موضوع، بیگانه از هر دو تلقی می‌شوند، به‌گونه‌ای که دسته سوم با عنوان «فناوری‌های نوین» تشکیل می‌دهند، مانند نرم‌افزارهای رایانه‌ای و محصولات فکری در حوزه بیوتکنولوژی.



دکتر وحید:

توجه به واقعیت‌های اقتصادی و نیاز جامعه از سوی و همچنین اقتضای تعامل با دنیا از سوی دیگر، توجیه‌کننده ضرورت ایجاد رشته‌های آموزشی در حوزه مالکیت‌های فکری و تربیت نیروی انسانی کارشناس و متخصص در این زمینه‌ها در کشور است

توجه به واقعیت‌های اقتصادی و نیاز جامعه از سوی و همچنین اقتضای تعامل با دنیا از سوی دیگر، توجیه‌کننده ضرورت ایجاد رشته‌های آموزشی در حوزه مالکیت‌های فکری و تربیت نیروی انسانی کارشناس و متخصص در این زمینه‌ها در کشور است. متخصصان این رشته هم به تولیدکنندگان و هم به مصرف‌کنندگان در شناخت حقوق و تکالیفی که در برابر هم دارند آگاهی می‌رسانند. همچنین متخصصان این رشته می‌توانند در دعاوی ناشی از حقوق مالکیت فکری به‌عنوان قاضی در مقام دادرسی و به‌عنوان وکیل مدافع در پرونده‌های مربوط وارد شوند و از این راه به برقراری نظم حقوقی در یکی از شاخه‌های بزرگ و مهم فعالیت اقتصادی کشور کمک کنند. در برخی از وزارتخانه‌ها مانند فرهنگ و ارشاد اسلامی، دارایی و امور اقتصادی، بازرگانی و جهاد کشاورزی و قوه قضائیه در بخش‌های مرتبط با حقوق مالکیت‌های فکری به متخصصان این رشته نیاز است. همچنین به کارشناسان متخصص این رشته برای طرح و ارائه لوایح قانونی و مشورت برای وضع یا اصلاح قوانین و تنظیم آیین‌نامه‌های مربوط هم در قوه مقننه و هم قوه مجریه احتیاج است.

در حال حاضر در چند دانشگاه بزرگ کشور دوره تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی ارشد در حقوق مالکیت فکری وجود دارد؛ در دانشگاه شهید بهشتی که در سال ۱۳۸۲ برای نخستین بار در کشور این دوره ایجاد شد و دانشگاه تهران که در سال بعد این رشته تأسیس شد. دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه قم نیز در حال حاضر در این رشته دانشجوی می‌پذیرند. دانشگاه‌های دیگری نیز در فکر راه‌اندازی این دوره هستند.

■ دکتر صادقی: ضرورت تشکیل گروه‌های آموزشی حقوق

□ کتاب ماه: با توجه به وضع اجرای قوانین مرتبط در کشور و اینکه بیش از ۵۰ دانش‌آموخته در سال‌های اخیر تربیت شده‌اند، لطفاً در خصوص ضرورت ادامه فعالیت گروه‌ها و شکل‌گیری گروه‌های جدید توضیح دهید؟

■ دکتر وحید: پرسش شما میان وضع اجرای قوانین و وجود نیروی انسانی متخصص با ضرورت فعالیت آموزشی

دکتر صادقی: ضرورت تشکیل گروه‌های آموزشی، لزوم توجه به نقش مالکیت فکری در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی کشور و اهمیت روزافزون آن در روابط اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی، سیاسی، بین‌المللی در عصر اطلاعات و ارتباطات و جهانی شدن تجارت است



کارشناسی خارجی به قانون فوق تبدیل شد. دربارهٔ نیروی انسانی متخصص موجود نیز باید گفت که قطعاً نیاز جامعه ما به بیش از این مقدار است و اگر زمینه‌های اشتغال مناسب برای فارغ‌التحصیلان این رشته فراهم شود و شرایط اجتماعی و اقتصادی برای فعال شدن بخش‌های مرتبط با تولید محصولات فکری در صنعت و تجارت مبتنی بر اقتصاد رقابتی و همچنین آفرینش‌های ادبی و هنری وجود داشته باشد، با توجه به زمینه‌های موجود، نیروی انسانی متخصصی که در این حوزه تربیت می‌شود، در کنار فعالان و عوامل اقتصادی این حوزه می‌تواند کمک بزرگی به فعال کردن مؤثر یکی از منابع تولید ثروت در کشور بکند. ولی باید به یک نکته توجه جدی کنیم و آن اینکه تنها، ایجاد رشته‌های علمی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در حوزه مالکیت فکری کافی نیست. آموزش، شاخه‌ای از کل نظام مالکیت فکری در هر کشور است و نظام مالکیت فکری جزئی از مجموعه حقوق مالکیت و بدنه حقوقی کشور است. نظام حقوقی کشور نیز جزئی از واقعیت سازمان اجتماعی کشور به معنای وسیع کلمه است که شامل اقتصاد، سیاست و فرهنگ نیز می‌باشد. وقتی نگاه ما با رویکرد کلان در این سطح باشد، قطعاً توسعه کشور مهم‌ترین دغدغه‌ای خواهد بود که به ذهن می‌رسد. از همین روست که در بالا به شرایط اجتماعی و فرهنگی برای فعال شدن اقتصاد مبتنی بر رقابت که از لوازم اولیهٔ دسترسی به توسعه است، اشاره کردم. بدون این، نیروی انسانی متخصص، کارآمدی لازم را نخواهد داشت و مانند رایانه‌ای که در کنار میز ما باشد و بلد نباشیم از آن استفاده کنیم، آدم‌های با تحصیلات بالا به بخشی از دکوراسیون چهره فرهنگی کشور تبدیل می‌شوند که پرهزینه و کم‌فایده است. با التفات به این نکته کلیدی، نه تنها ضرورت وجود رشته مالکیت فکری قابل درک است، بلکه با توجه به نیاز موجود باید گفت تأسیس این رشته در دانشگاه‌های ایران مواجه با تأخیر نیز بوده است. به‌رغم این تأخیر، شتاب فزاینده‌ای در این حوزه وجود دارد و دانشگاه‌هایی که این رشته را ندارند در ایجاد رشته و آنها

و پژوهشی ارتباط برقرار می‌کند و از ضرورت ادامهٔ فعالیت گروه‌های آموزشی موجود و ایجاد گروه‌های جدید می‌پرسید. به‌رغم درستی این ارتباطی که شما میان این دو حوزه برقراری کنید، متأسفانه همیشه اینطور نبوده که در عمل به آن توجه و اعتنای مناسب شده باشد. در پاسخ به پرسش نخست شما به حوزه‌هایی که می‌توان از نیروی انسانی متخصص در این زمینه استفاده کرد، اشاره کردم. ولی نه تنها در اجرای قوانین با استفاده از نیروهای متخصص مشکل داریم، بلکه حتی گاهی در مرحلهٔ تهیه و تدوین و وضع قانون نیز از نیروهای کارآمد و کارشناس استفاده بهینه نمی‌شود. برای نمونه می‌توان به قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ اشاره کرد. در این قانون ضمانت اجرای مدنی و کیفری مؤثر و مناسب برای برخورد با نقض کنندگان حقوق مورد حمایت قانون پیش‌بینی نشده بود، در حالی که ایجاد و به‌رسمیت شناختن حق، بدون حمایت مؤثر از آن نقض غرض و عملی لغو و بیهوده است و این از اصول مسلم قانون گذاری است. برای تصحیح اشتباه فاحشی که صورت گرفته بود، اصل مسلم دیگری زیر پا گذاشته شد و آن اینکه در آیین‌نامه اجرایی قانون که در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید، ضمانت کیفری برای تخلف از قانون پیش‌بینی شد، در حالی که این کار نقض آشکار یکی دیگر از اصول مسلم قانون گذاری و به‌خصوص قانون اساسی است که طبق آن پیش‌بینی کیفر در چارچوب آیین‌نامه نمی‌گنجد و براساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات امری است منحصر در صلاحیت مقام قانون گذار. در مواردی هم نسبتاً تلاش مثبت‌تری شده است، مانند قانون جامع مالکیت صنعتی که در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید. به‌موجب توافق میان سازمان جهانی مالکیت فکری (واپو) و سازمان ثبت اسناد یک کمیته حقوقی تشکیل شد تا با کمک کارشناسی واپو پیش‌نویس قوانین مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط و دیگر قوانین تهیه شود. یکی از محصولات این کمیته تهیه و تدوین لایحه‌ای بود که با مشورت کارشناسان داخلی و کمک

دکتر وحید: آموزش، شاخه‌ای از کل نظام مالکیت فکری در هر کشور است و نظام مالکیت فکری جزئی از مجموعه حقوق مالکیت و بدنه حقوقی کشور است

که دارند در تأسیس دوره دکتری با هم به رقابت پرداخته‌اند. ولی به‌نظر می‌رسد هنوز نیروی کارآمد لازم و کافی را برای تأسیس دوره دکتری در این رشته نداریم. به‌خصوص که تأسیس دوره دکتری به تحصیل تجربه بیشتری در مرحله کارشناسی ارشد نیاز دارد. فقدان امکانات مادی، مانع بزرگی برای توسعه این رشته است، مثلاً هنوز دانشکده‌های ما در تأمین منابع علمی خارجی روزآمد به زبان اصلی یا به‌صورت ترجمه یا تشویق به تألیف برای این رشته در مقطع کارشناسی ارشد مشکل دارند که رفع این نقیصه نیاز به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری جدی دارد. از طرفی یک دانشجوی حقوق ترجیح می‌دهد در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به انتخاب رشته‌ای در مقطع کارشناسی ارشد اقدام کند که برایش امکان ادامه تحصیل در مقطع دکتری وجود داشته باشد. سردرگمی یک فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد به‌خصوص در مسئله کاربایی این انگیزه را تقویت می‌کند. در نتیجه، این تقاضای دانشجویان برای ایجاد دوره دکتری فشار مضاعفی به‌وجود می‌آورد که ممکن است دانشگاه‌ها را وارد یک نوع رقابت ناسالم و شتاب‌زده برای ایجاد دوره دکتری نماید. بنابراین، این نگرانی به‌طور جدی وجود دارد که دانشگاه‌ها فارغ از کمبودهای موجود و کاستی‌هایی که در مقطع کارشناسی ارشد با آن روبه‌رو هستند، و بدون مطالعه کارشناسی لازم در این زمینه و صرفاً به‌دلیل چیزی که گاهی نسنجیده آن را یک ضرورت می‌نامند، به‌طور شتاب‌زده دوره دکتری را تأسیس نمایند و بدین ترتیب باعث پایین آمدن کیفیت آموزش و کاستن سطح اعتبار مدارک تحصیلی شوند. نظیر این مشکل در رشته‌های جدیدالتأسیس دیگر مانند حقوق اقتصادی نیز وجود دارد. جالب‌توجه این است که خود ایجاد این رشته در مقطع کارشناسی ارشد به‌رغم اینکه کاری ضروری بوده و با تأخیر فراوان صورت گرفته است، اینک با تعجیل نسنجیده‌ای ممکن است وارد مسیری شود که به ناکارآمدی آن منتهی شود.

با توجه به نکات فوق و با تأکید بر یک سیاست آموزشی منطقی‌تر و حساب‌شده‌تر، به‌نظر می‌رسد به‌جای توسعه طولی این رشته با ایجاد دوره دکتری، بهتر است به توسعه عرضی آن بپردازیم و تعدادی دوره‌های تخصصی‌تر مبتنی بر شاخه‌های مختلف حقوق مالکیت‌های فکری در مقطع کارشناسی ارشد تشکیل شود تا نیازهای جامعه را پاسخ‌گو باشند. در حال حاضر تحصیل رشته حقوق مالکیت فکری در مقطع کارشناسی ارشد در کشور ما هیچ‌گونه گرایش تخصصی ندارد. در حالی که به گرایش‌های تخصصی مرتبط با مالکیت فکری در حوزه‌هایی مانند فرهنگ به‌طور کلی و میراث فرهنگی به‌طور خاص، فرهنگ عامه (فولکلور)، صنایع دارویی، محصولات فکری در حوزه فناوری نوین مانند نرم‌افزارهای رایانه‌ای و مطالعات بیولوژیک و بیوتکنولوژیک و

سلولوزی یا مولکولی گیاهی و جانوری، تجارت الکترونیک و فناوری اطلاعات نیاز جدی وجود دارد. همچنین در نوع برنامه‌ریزی درسی و آموزش و پژوهش به‌لحاظ محتوایی و متدولوژی باید عمق بیشتری به برنامه‌های موجود داد. برای نمونه مطالعات تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای از لوازم جدی توسعه این رشته است که در حال حاضر توجه چندانی به آنها به‌عنوان روش تحقیق نمی‌شود. از طرفی هم باید در دانشجویان این فرهنگ را ایجاد کرد که با داشتن دانشنامه دکتری معلوم نیست بتوانند مشکلی را از کشور حل کنند، به‌خصوص وقتی که در برابر این مخاطره جدی قرار داریم که ارزش محتوایی دانشنامه دکتری در حد کارشناسی ارشد یا کمتر باشد، در حالی که با کار کردن این امید بیشتر است که بتوانند مفیدتر واقع شوند.

■ دکتر صادقی: اگرچه نسبت به صحت آمار ذکر شده تردید دارم، این تعداد فارغ‌التحصیل برای رسیدن به اهداف یادشده کافی نیست. ضمن اینکه با توجه به سازوکارهای موجود در نظام اداری کشور معمولاً همه فارغ‌التحصیلان فرصت اشتغال در جایگاه‌های متناسب با تخصص خود را پیدا نمی‌کنند، ضمن اینکه بسیاری از آنها در مقطع دکتری ادامه تحصیل داده و با استفاده از معلومات کسب‌شده در مقطع کارشناسی ارشد به دانش و تخصص خود عمق و گستره بیشتری می‌دهند و در سطوح عالی‌تر به ارائه یافته‌های خود می‌پردازند. البته به‌نظر بنده شکل‌گیری گروه‌های جدید مخصوصاً با توجه به فقدان کادر علمی متخصص در این رشته ضرورتی ندارد، ولی متأسفانه امروز تا برنامه یک رشته دانشگاهی به‌تصویب می‌رسد، بسیاری از دانشگاه‌ها بدون توجه به امکانات و توانمندی‌های خود اقدام به تأسیس آن رشته و جذب دانشجو می‌کنند که این امر بسیار نامطلوب است و به دریافت جایگاه آن رشته و لوژ شدن آن در کشور منجر می‌شود.

□ کتاب ماه: برای بازار کار فارغ‌التحصیلان این حوزه چه تدابیری اندیشیده شده است؟ و در حال حاضر فارغ‌التحصیلان این رشته در چه حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند؟

■ دکتر وحید: متأسفانه مانند بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، در رشته حقوق نیز به‌طور عام و در رشته حقوق مالکیت فکری به‌طور خاص ارتباط و تعامل مؤثری میان وزارت علوم و دانشگاه‌ها با بازار کار وجود ندارد که به امر ساماندهی اشتغال فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها کمک کند. اگرچه به‌نظر می‌رسد در میان رشته‌های علوم انسانی، فارغ‌التحصیلان رشته حقوق از امکان کاربایی بیشتری بهره‌مندند، توجه به واقعیت اشتغال کاذب یا بی‌کاری پنهان تا حدودی از اعتبار این عقیده رایج می‌کاهد، برای مثال می‌توانید به

رشته‌ها به بازار کار وظیفه گروه‌های آموزشی نیست. آنچه به گروه‌های آموزشی در دانشگاه مربوط می‌شود اهتمام به امر آموزش و پژوهش و تربیت نیروی متخصص متناسب با نیازهای کشور است. متأسفانه همان‌طور که در پاسخ به پرسش قبل ذکر شد، به‌رغم نیاز دستگاه‌ها به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بسیاری از آنها فرصت کار در جایگاه‌های مناسب خود را پیدا نمی‌کنند و این جایگاه‌ها توسط افراد غیرمتخصص اشغال شده است. من اطلاع دقیقی از حوزه‌های فعالیت همه فارغ‌التحصیلان این رشته ندارم، ولی تا آنجا که مطلع هستم بعضی از آنها در مراکز صنعتی مشغول کار شده‌اند، بعضی هم پروژه‌های تحقیقاتی خوبی را در زمینه مالکیت فکری اجرا کرده‌اند و بعضی هم موفق به ادامه تحصیل در مقطع دکتری شده‌اند.

□ کتاب ماه: چه آینده‌ای را برای حوزه مالکیت ادبی و هنری در ایران پیش‌بینی می‌کنید؟

■ دکتر وحید: سه پرسش قبلی شما به‌طور کلی درباره مالکیت فکری بود، ولی این پرسش در خصوص مالکیت ادبی و هنری است و این شاید به دلیل آن است که درسی که من به‌طور تخصصی در گروه حقوق مالکیت فکری ارائه می‌دهم، «حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط» است. تا آنجا که به فعالیت‌های قانونگذاری مربوط می‌شود، لایحه قانون جامع مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط در حال حاضر در کمیته حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست بررسی است. تا پیش از این و در حال حاضر قوانینی مانند قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ و قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و برخی از قوانین و مقررات دیگر در حوزه حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری وجود دارد. انتظار می‌رود قانون جدیدی که براساس لایحه قانون جامع مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط که در حال حاضر در کمیته حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست بررسی است، تهیه می‌شود، پس از تصویب برخی از نواقص قوانین موجود را برطرف سازد و نسبت به آنها جامع‌تر باشد. این لایحه نیز آثار پدیدآمده در خارج از کشور را مورد حمایت نشناخته و تقریباً نظیر حکم ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸ است که مانع از حمایت حق مؤلف آثار بیگانه برای پدیدآورندگان اصلی آنها می‌شود. به‌رغم آنکه ایران از سال ۱۳۸۰ به عضویت سازمان جهانی مالکیت فکری در آمده است، ولی به‌نظر می‌رسد در حال حاضر تصمیم جدی برای الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون برن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری مصوب ۱۸۸۶ م. و سایر

مقالات ارائه‌شده در همایش ملی «علوم انسانی و چالش اشتغال» که در تاریخ ۳۱ اردیبهشت و اول خرداد ۱۳۸۷ در دانشگاه تهران برگزار شد، و در خصوص حقوق به مقاله اینجانب در همین همایش با عنوان «اشتغال دانش‌آموختگان حقوق: چالش‌ها و راهکارها»^۲ مراجعه شود.

اگر پرسش شما ناظر به این هم باشد که چگونه می‌توان به اشتغال‌زایی این رشته کمک کرد، در پاسخ باید گفت یکی از راه‌ها این است که میان دانشگاه‌ها با بخش خصوصی و سازمان‌ها و بخش‌های دولتی ارتباط مستمر و دوجانبه وجود داشته باشد که هرچه بیشتر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها هماهنگ با نیاز این بخش‌ها باشد. این کار موجب می‌شود هرچه بیشتر آموزش، با واقعیات اجتماعی منطبق‌تر گردد و همچنین دانشجویان امروز بتوانند در راستا و ادامه کار پژوهشی مفیدی که برای دستگاه مربوط انجام می‌دهند امکان بالقوه‌ای برای جذب شدن توسط آن دستگاه را در آینده پیدا کنند. همچنین در نظر گرفتن دوره‌های کارآموزی برای دانشجویان در چارچوب برنامه درسی و منظور کردن این دوره‌ها به‌عنوان بخشی از آموزش نیز به تقویت این تعامل و ارتباط کمک می‌کند و آموزش در حوزه مالکیت فکری را هرچه بیشتر واقع‌گرا و عمل‌گرا می‌نماید. از سوی دیگر، این ارتباط موجب پیدایش اعتماد متقابل میان بازار کار و دانش‌آموختگان این رشته می‌شود، به‌خصوص که یکی از موانع اشتغال در مواردی فقدان چنین اعتمادی است.

در پاسخ به بخش دوم پرسش شما، تا آنجا که اطلاعات شخصی من از راه ارتباط با برخی از این فارغ‌التحصیلان اجازه می‌دهد بگویم، به‌نظر می‌رسد بیشتر آنان به حرفه و کالت مشغول می‌شوند. البته اشتغال به و کالت نمی‌تواند الزاماً محصول ادامه تحصیل در این رشته تخصصی باشد. می‌دانید که برای شرکت در آزمون و کالت، دارابودن دانشنامه کارشناسی در حقوق کافی است و داشتن دانشنامه کارشناسی ارشد امتیاز رسمی خاصی به‌وجود نمی‌آورد. وکیل مدافع دادگستری صلاحیت مداخله در هرگونه پرونده‌ای را دارد و معلوم نیست پرونده‌های مرتبط با مالکیت فکری به‌گونه‌ای هدایت شوند که ترجیحاً به‌دست و کلاهی اداره شوند که تخصص در مالکیت فکری داشته باشند. برخی از فارغ‌التحصیلان این رشته هم به ادامه تحصیل در داخل یا خارج از کشور پرداخته‌اند که امید می‌رود با ورودشان به کادر آموزشی دانشگاه‌ها در آینده بتوانند به‌غناهی علمی کشور در این حوزه بیفزایند. ولی همچنان که گفتیم آمار مستند و دقیقی که بتوان براساس آن چیزی گفت در اختیار ندارم.

■ دکتر صادقی: جذب فارغ‌التحصیلان این رشته همانند سایر

دکتر صادقی:

به‌نظر بنده شکل‌گیری گروه‌های جدید مخصوصاً با توجه به فقدان کادر علمی متخصص در این رشته ضرورتی ندارد، ولی متأسفانه امروز تا برنامه یک رشته دانشگاهی به‌تصویب می‌رسد، بسیاری از دانشگاه‌ها بدون توجه به امکانات و توانمندی‌های خود اقدام به تأسیس آن رشته و جذب دانشجو می‌کنند

کنوانسیون‌های موجود در زمینه حق مؤلف یا آوانگاشت‌ها وجود نداشته باشد. این در حالی است که ایران از حدود نیم‌قرن پیش عضو کنوانسیون پاریس مصوب ۱۸۸۳ م. می‌باشد که درباره حمایت از مالکیت صنعتی است. باید امید داشت به آنکه علی‌رغم نظرات موافق و مخالفی که در زمینه الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حق مؤلف وجود دارد، ما فرصت مناسب برای مطالعه و تأمل کارشناسانه مسائل براساس منافع و مصالح کشور را از دست ندهیم و در عمل به‌صورتی درنیابیم که ناگهان خود را در یک وضع اضطراری ببینیم که تحت شرایط خاص یا فشار بین‌المللی ناچار به واکنش شتاب‌زده‌ای شویم که تنها توجیهش «ضرورت» بوده باشد، در حالی که اگر به‌موقع عمل می‌کردیم می‌توانستیم تصمیم صالح‌تری براساس «مصلحت» بگیریم.

ولی در پاسخ به این پرسش درباره آینده مالکیت ادبی و هنری باید به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قضیه نیز توجه کرد. باید گفت آینده این رشته بستگی دارد به آینده حوزه فعالیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط در کشور که شدیداً متأثر از سیاست‌گذاری‌های کلان در این حوزه‌هاست. هرچه تولید و تجارت در حوزه آثار ادبی، موسیقایی، سینمایی، هنرهای ترسیمی، تجسمی و نمایشی، همچنین فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در زمینه تولید انبوه، باز تولید، توزیع و تجارت این محصولات در کشور بیشتر رونق یابد، آینده پررونق‌تری برای این رشته و فعالان این حوزه می‌توان پیش‌بینی کرد.

طبیعی است که برخلاف تصور عامیانه‌ای که وجود دارد، مانند همه حوزه‌های دیگر حقوقی، صرفاً قانون‌گذاری یا تأسیس رشته دانشگاهی در مراکز آموزش عالی برای توسعه حقوق مالکیت ادبی و هنری کافی نیست. مشکل بزرگ، اجرای قانون و کارآمد کردن ابزارهای اجرایی و قضایی از یک سو و ارتقای فرهنگ حقوق مالکیت فکری به‌طور کلی از سوی دیگر است.

تکثیر، توزیع و فروش نسخه‌های غیرمجاز انواع آثار موسیقایی و سینمایی، به‌رغم آنکه عنوان مجرمانه‌ای دارند و تلقی شدن این عمل به‌عنوان قاچاق، در مرئی و منظر عام و عوامل اجرای قانون انجام می‌گیرد ولی تلاش جدی از سوی نهادهای مسئول برای برخورد با اینگونه فعالیت‌ها که موجب می‌شود، عده‌ای انگل‌وار از محصول تلاش فکری و نوآوری و ابتکار دیگران ثروتمند شوند، صورت نمی‌گیرد. تا وقتی قانون که قرار است از حقوق مالکیت افراد حمایت کند، خود از حمایت ابزارهای اجرایی و قضایی محروم باشد، نمی‌توان به‌کارآمد بودن این قانون امید داشت. مثال دیگر، چیزی است که به سرقت ادبی مشهور است. اقتباس و برگرفتن از آثار دیگران و توزیع و نشر آنها به‌نام و به‌نفع خود، عملی است که

کمتر قبح و وقاحت آن موجب شرم‌ساری مرتکبش می‌شود. گاهی، اقدام مقامات رسمی در ممنوع‌ساختن یک اثر ادبی، سینمایی یا موسیقایی، با هر انگیزه و به هر منظوری که باشد، بدون آنکه به نتیجه مقصود که عدم انتشار اثر است، نائل شود، تنها موجب می‌شود که عده‌ای سودجو از فرصت پدیدآمده - با تکثیر و توزیع و فروش غیرقانونی آنها - به‌نفع خود استفاده کنند. پارادوکس جالب‌توجه این قضیه آن است که اثر ممنوع‌شده رواج بیشتری می‌یابد، در حالی که پدیدآورنده اثر از همه حقوق خود محروم گشته و سوءاستفاده‌کنندگان، از فعالیت غیرقانونی و غیرمجاز خود به سود سرشاری دست یافته‌اند. پارادوکس دیگر داستان این است که در همه انواع دزدی، مال‌خرد، یعنی کسی که مال دزدی شده را با علم به دزدی بودن آن از دزد به‌بهای ارزان‌تری می‌خرد، به‌لحاظ اخلاقی مذموم و به‌لحاظ حقوقی محکوم است، ولی در حوزه آثار ادبی و هنری، کسی که نسخه غیرمجاز این آثار را می‌خرد یا تحصیل می‌کند، کمتر احساس وقاحتی در عمل خود می‌کند.

از اینجاست که خواهیم نتیجه بگیریم که اگر با وجود قوانین و مقررات لازم و مناسب، ابزارهای اجرایی لازم و مناسب را فراهم نیاوریم، نمی‌توانیم زمینه لازم برای تضمین امنیت حقوقی در حوزه مالکیت ادبی و هنری را به‌وجود آوریم. پرواضح است که بدون ارتقای بخشیدن به فرهنگ عمومی در ایجاد حس احترام به مالکیت فکری، این ابزارها هرگز کارآمدی لازم را نخواهند یافت.

■ **دکتر صادقی:** با توجه به اینکه در سال‌های اخیر ضرورت ساماندهی و تقویت‌ساز و کارهای قانونی، اجرایی و قضایی برای حمایت از آثار ادبی و هنری کشور برای دست‌اندرکاران بیشتر احساس شده و همچنین فعالیت‌هایی که برای وضع قوانین جدید و اصلاح و روزآمدسازی قوانین گذشته و افزایش آگاهی‌های عمومی و فرهنگ‌سازی صورت می‌گیرد و نیز ضرورت‌های ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت انتظار می‌رود در آینده شاهد ارتقای موقعیت این حوزه در ایران باشیم.

□ **کتاب ماه:** از وقتی که در اختیار کتاب ماه قرار دادید، سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها:

1. hadi.vahid@gmail.com
2. sadegh_m2000@yahoo.com
3. WIPO
4. برای اطلاع از سخنرانی‌ها به پایگاه www.isphilosophy.com مراجعه شود

دکتر وحید:
لایحه قانون جامع مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط در حال حاضر در کمیته حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست بررسی است